

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

یلنا گروموا* - (Yelena Gromova)

برگردان از: ا. م. شیری

۰۳ سپتمبر ۲۰۱۴

آیا منتظر روشنگری باید بود؟

چه اتفاق ناگهانی با جامعه جهانی افتاد؟ بیش از سه سال که تنها به دروغپردازی علیه حاکمیت قانونی جمهوری عربی سوریه مشغول بود و علاقه مند نبود در باره جنایات به اصطلاح «مخالفان سوریه» سخن بگوید یا بشنود، اما اکنون، پس از کشته شدن بیش از ۱۹۰ هزار نفر، تبدیل شدن بسیاری از شهرهای سوریه به ویرانه، تخریب اقتصاد و تضعیف نقش سوریه در عرصه جهانی، ناگهان به خود آمده، همین «مخالفان» را محکوم می کند.

در ضمن، اکنون هم جنایات فقط یک گروه، هر چند مؤثرترین آنها- «حکومت اسلامی عراق و شام» (داعش) را تقبیح می کنند. در صورتی که گروههای جنایتکار دیگری مانند «ارتش آزاد سوریه»، «جبهه النصره» (مرتبط با «القاعده»)، جبهه اسلامی و «بریکادهای» مختلفی از نوع «لواءالتوحید» هم وجود دارند. اما یا آنها را «فراموش» می کنند و یا همه آنها را توجیه می نمایند.

در گزارش منتشره از سوی کمیسیون «بین المللی به اصطلاح مستقل تحقیق حوادث سوریه» به سرپرستی پائولو پینیرو، که مثل همیشه، هم مظلوم را متهم می کند و هم ظالم را، توأم با متهم نمودن به حق داعش، ارتش سوریه را نیز که در جبهه های جنگ علیه داعش می جنگد، مقصر می شمارد.

در هر حال، جهت اصلی ضربه تهیه کنندگان گزارش این بار خلاف دفعات پیشین نه به سوی ارتش سوریه، بلکه، به سمت «داعش» متوجه شده است. این سند تأکید می کند که اوضاع مناطق تحت اشغال «اسلامگرایان» به شدت وخیم است. جنگجویان در آنجا به کشتارهای انبوه دست می زنند، زنان را به خاطر پوشش نامناسب به شلاق می بندند، کودکان را به مزدوری می گیرند و اسیران خود را مورد آزار و شکنجه قرار می دهند. چنین اقداماتی را، به عقیده تهیه کنندگان گزارش، می توان در ردیف جنایات جنگی و جنایت علیه بشریت دانست.

جنایات سایر گروههای «مخالف» در این گزارش فراموش شده است. در عوض، شواهدی دال بر سرازیر شدن مستمر جنگجویان به کشور که دولت سوریه از همان ابتداء به عنوان خطر بین المللی مورد تأکید قرار می داد، در این سند ذکر شده است. علاوه بر آن، در گزارش بر این مسأله تأکید می شود که برخی دولتها، و همچنین، برخی شخصیتها از تحویل تسلیحات به تروریستها جانبداری می کنند.

اما «نسخه» پیشنهادی کمیسیون چنان است، که قبل از همه منافع سوریه را تحت تأثیر قرار داده و تحریم تسلیحاتی بین المللی آن را پیشنهاد می کند. چنین پیشنهادی اما، دولت سوریه و گروههای مخالف آن را در یک ردیف برابر قرار می دهد. به ویژه این که، این پیشنهاد در عمل به معنای تشدید تحریمها علیه دمشق خواهد بود. در همین حال، تروریستها بی

توجه به تصمیمات و موانع بین المللی و با حمایت حامیان خود تسلیحات لازم را از راههای غیررسمی تحویل خواهند گرفت.

بارک اوباما، رئیس جمهور امریکا جنگجویان «داعش» را ناگهان وحشی خواند. اما رئیس جمهور امریکا فقط این مسأله را فراموش می کند که «حکومت اسلامی» صفوف خود را به حساب خود وی که یک سال قبل حاضر بود حتی با حمله نظامی گسترده به سوریه از آن پشتیبانی نماید، تکمیل کرد. این گروه در نتیجه کمکهای «کشنده» و «غیرکشنده» که او شخصاً دستور تحویل آنها به «مخالفان» را صادر کرد، قدرت گرفت.

در آنکارا، در عین حال، سناریوی مراسم تحلیف یکی از دشمنان اصلی سوریه- رجب طیب اردوغان به روی صحنه رفت. مراسم با جنجال آغاز گردید. مسأله این است که اردوغان قبل از این که سوگند ریاست جمهوری یاد کند، می بایستی از مقام نخست وزیری کناره گیری می نمود، اما برای او، مثل همیشه، قانون، قانون نیست. نمایندگان حزب مخالف، حزب جمهوری خلق این مسأله را مطرح ساخته و اعلام کردند تا زمانی که اردوغان قانون اساسی را زیر پا می گذارد، مراسم تحلیف نمی تواند برگزار شود. جمیل چیچک، رئیس مجلس، اما، تصمیم دیگری گرفت و در پاسخ به اعتراض مخالفان، تالار مراسم را ترک کرد.

عجیب است که «جامعه جهانی» در مقابل انتخاب اردوغان و عمل غیرقانونی او هیچ واکنشی نشان نداد. زمانی که به فرمان او در میدان تقسیم مردم را کشتند، نارضایتی جهانی، البته که بسیار ناچیز و مطلقاً قابل مقایسه با تبلیغات زهر آگینی نبود که علیه سوریه و رئیس جمهور قانونی آن به راه انداختند.

اما اقدام غیرقانونی اردوغان از نظر واشنگتن و متحدان آن مسأله مهمی نبود. اگر امریکا می خواست واقعاً با تروریسم مبارزه کند، باید پایگاههای آموزشی تروریستها در خاک ترکیه را که رژیم اردوغان در جنوب کشور دایر کرده است، مورد حمله قرار می داد.

احمد داوود اوغلو، وزیر خارجه سابق، همان فردی که اظهار داشت: «در هر حالتی، داعش یک سازمان تروریستی نیست» و قرار بود «مشکلات صفر با همسایگان» را برای رژیم اردوغان حل نماید، به نخست وزیری ترکیه برگمارده شد.

امریکا و اروپا سعی می کنند نقش مخرب ترکیه در مناقشات سوریه را نادیده بگیرند. زیرا زمانی که باید اذعان نمایند که یکی از اعضای کلیدی ناتو به کارگاه تولید انبوه تروریستهای مقصر در جنایات دهشتناک تبدیل شده است، البته، موضعی غیر از این هم نمی توانند بگیرند.

وحشیگری همه انواع باندهای «مخالف» در سوریه ادامه دارد. ۲۶ ماه اگست در جاده بین بلودان واقع در حومه پایتخت و الزابدانی اتوموبیل حامل فواز اسماعیل و نبیل علاءالدین، اعضای کمیته اشتی ملی و همچنین راننده اتوموبیل هدف تیراندازی قرار گرفت و همه آنها کشته شدند. در اثر تیراندازی تروریست تک تیرانداز یک عابر موتور سیکلت سوار در بزرگراه در نزدیکی حرستا به شدت زخمی شد.

۲۸ ماه اگست سراسر مناطق مرکزی دمشق را دود فراگرفت. تروریستها چندین منطقه پایتخت و حومه آن را هدف بمباران خمپاره ای گسترده قرار دادند. یک کودک ۱۲ ساله نیز جزو کشته شدگان بود.

چنین جنایاتی که عملاً همه روزه اتفاق می افتد، توجه کمیسیون های مختلف را به خود جلب نمی کند. اما بعید است که «جامعه جهانی» بتواند این جنایات را نادیده بگیرد. ۲۸ ماه اگست تروریستها در جولان اشغالی سوریه ۴۳ نفر از اعضای نیروهای حافظ صلح مشغول خدمت در خط جدائی را ربودند. لازم به تأکید است، که در آن منطقه آنقدرها که «مخالفان میانه رو» مورد نظر امریکا فعال هستند، داعش فعال نیست.

وزارت خارجه سوریه طی بیانیه خود آزادی فوری افراد ربوده شده را خواستار شد و مسأله پایان دادن به تسلیح همه گروههای تروریستی را مجددا مطرح کرد.

ملاحظات مترجم:

همه تجزیه و تحلیلها، تحقیق و بررسی های کارشناسانه ثابت می کنند، که منشاء و مبدا «اسلام سیاسی» ترکیه، مصر، تونس، لیبیا، سوریه، عراق، افغانستان و سایر کشورهای منطقه اسلامی، رژیمها و دولتهای غربی گرفتار در گرداب بحران همه جانبه سامانه بی سامان سرمایه داری، به خصوص، رژیمهای فوق ارتجاعی انگلوساکسونی هستند. همچنین بی هیچ بحث و توضیح اضافی واضح است که همه گروهها و دستجات جنایتکاران سازمانیافته مانند تروریستهای «اسلامی» القاعده، داعش، جبهه النصره، طالبان، بوکوحرام، اخوان المسلمین، لواءالتوحید، جندالله و به طور کلی، تمامی دستجات «جهادگرا»، محصول و فرآورده سازمانهای امنیتی- تروریستی غرب بوده و به عنوان نیروهای جایگزین نظامیان امپریالیستیهای امریکا و اتحادیه اروپا برای تداوم حضور نامشروع آنها در منطقه «جهاد» می کنند. با این وصف، فراموش نمی توان کرد زمانی را که نظریه پردازان و طراحان امپریالیسم جهانی و صهیونیسم بین الملل در سالهای ۲۰۱۰-۲۰۱۱ جوانان منطقه نفتخیز و دارای اهمیت ژئوپلیتیک خاورمیانه و شمال افریقا را به انجام «انقلابات رنگی»- تروریستی تحریک نمودند، حوادث تونس، مصر، یمن، حمله نظامی به لیبیا و سوریه را سازماندهی، مدیریت و هدایت کردند، رسانه ها و مقامات رسمی رژیم جمهوری اسلامی ایران غافل از این که «آفتاب حقیقت تا ابد پشت ابر نمی ماند»، هیاهوی تبلیغاتی وسیعی را تحت عنوان «بیداری اسلامی» به راه افتند. اما، طولی نکشید که نور حقیقت بر جوانب تاریک و پنهان حوادث آن سالها پرتو افکند و همه آن هیاهو و فریادهای «اسلامخواهی» جناحهای مختلف رژیم حاکم بر کشور ما به یک باره فروخوابید. به نظر می رسد این درسی بود که حاکمیت جمهوری اسلامی ایران «از گذشت روزگار» به خوبی آموخت و توحش بی سابقه گروههای آدمخوار تکفیری، سلفی، وهابی در عراق، سوریه و سایر کشورهای منطقه را «بیداری اسلامی» تعریف نکرد. با این حساب، انتظار می رود رژیم جمهوری اسلامی ایران با کاربست عملی این درس مهم «روزگار» و با درک مسئولیت خود در قبال امنیت، ثبات و تمامیت کشور، همه موانعی را که در راه اتحاد و همدلی جامعه و نیروهای ترقیخواه کشور ایجاد کرده است، بلادرنگ از میان بردارد، که خود این، بیانگر مبارزه جدی آن با امپریالیسم و لازمه مبارزه با تروریسم دولتی غرب به سرکردگی امریکاست.

* خبرنگار تارنما و روزنامه «سوتسکایا راسیا» در دمشق

<http://sovross.ru/modules.php?name=News&file=article&sid=597733>

۱۱ شهریور - سنبله ۱۳۹۳